

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دوره مجازی تدبر در سوره‌های فهم قرآن دبستان، رمضان ۹۹، آقای دژبخش

سوره ماعون، ۹ ماه مبارک رمضان

معرفی اجمالی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْدِينِ (۱)

فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ (۲)

وَلَا يَحِضُّ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ (۳)

فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ (۴)

الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ (۵)

الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ (۶)

وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ (۷)

سوره ماعون ما را به رویت کسی دعوت می‌کند، که دین خدا یا یوم‌الدین را تکذیب می‌کند. تکذیب دین و یوم

الدین (قیامت) با هم در ارتباط هستند. تکذیب یکی به معنای تکذیب دیگری است.

توقع داریم کسی که تکذیب دین می‌کند را سوره چگونه معرفی کند؟ در این سوره به

ما معرفی می‌شود، کسی که دین را تکذیب می‌کند، وقتی با یتیم - کسی که حامی ندارد - برخورد می‌کند، او را به شدت دع می‌کند، به طور طبیعی شاید کسی که سرپرست ندارد رفتار درستی هم شاید نداشته باشد. برای این آدم اهمیتی ندارد که عده‌ای مسکین هستند و نیازهای اولیه خود را ندارند. و برای همین هیچ تلاشی برای افراد مسکین نمی‌کند و کسی را تشویق نمی‌کند که طعام افراد مسکین تأمین شود.

این فرد اگر نماز هم بخواند، وای بر اوست. این فرد در نمازش سهو دارد. کسی که به نیاز دیگران توجهی ندارد، نمازش دچار سهو می‌شود و این فرد ریا می‌کند و منع از نیازمندی‌های اولیه (ماعون) می‌کند.

سوره ماعون به ما یاد می‌دهد که چگونه با توجه در نماز و توجه به نیازمندان یک دیندار واقعی شویم.

ارائه سوره

وقتی می‌خواهیم از سوره ماعون را برای بچه‌های دبستانی آموزش دهیم، چگونه دیندار بودن را مطرح می‌کنیم. دین را به عنوان یک مجموعه از قوانین و چارچوب‌ها، محدودیت‌ها و ضوابط معرفی می‌کنیم و جایگاه اول نفع نیاز محرومان و دوما نماز را برای آن‌ها مطرح کنیم. داشتن قوانین و محدودیت‌ها خیلی مهم است که دین این چارچوب را در رابطه با رفع نیاز دیگران و نماز مطرح می‌کند.

بیان این مطلب سیر دارد:

- اول می‌گوییم قانون خوب است، ضابطه داشته باشیم به ما بد هم نمی‌گذرد و ممکن است خوش هم بگذرد.

- بعد قوانین تنوع دارند: فردی، اجتماعی، قراردادی، طبیعی، تشریحی و...

- در این چارچوب دیگران هم مهم هستند و نیاز دیگران را باید رفع کنیم.

- نماز را برای آن‌ها پررنگ می‌کنیم. قوانینی دارد که باید انجام شود.

- نمازشان را ارتقا می‌دهیم. ارتباط نماز و رفع نیاز محرومین را آموزش می‌دهیم.

- رفع نیاز محرومین را گسترده تر انجام دهند.

تدبر در سوره

سوره به دو موضوع کلی می‌پردازد. در دو جنبه باورهای ما را اصلاح می‌کند. یکی باورهای ما نسبت به خدا و یکی نسبت به دیگران. برای دیندار بودن لازم است باورهایمان نسبت به خدا و دیگران اصلاح شود.

بخش اول: از آیه ۱ تا ۳:

راجع به دین و تکذیب دین صحبت می‌شود و ارتباط ما با دیگران.

بخش دوم: آیه ۴ تا ۷

در مورد نماز و توجه و بی توجهی به نماز صحبت می‌شود. بحث ارتباط با دیگران هم در موضوع ریا و منع ماعون به نوعی بیان می‌شود.

أرأيتَ الذي يكذب بالدين

ما باید نگاه بکنیم... آیا دیدی؟ سوره با استفهام از رویت شروع می‌شود. به ظاهر منظور این است نظرت را بگو... چه چیز را ببینم؟

کسی را که دین را تکذیب می‌کند یا با دین تکذیب می‌کند یعنی از دین استفاده می‌کند برای تکذیب حقایق که این از حالت اول بدتر است.

در المیزان دین را یوم الدین می‌گیرد. کسی که روز قیامت را تکذیب کند که در واقع دین را تکذیب می‌کند.

فَذَلِكِ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ

دع یعنی دفع به شدت.

یتیم کسی است که از اصل خودش جدا شده، سرپرست ندارد. کسی که کرامتش از بین رفته می‌شود، تحقیرش می‌کنند.

این آدم تکذیب کننده دین کسی است که یتیم را دع می‌کند. به خودش اجازه می‌دهد یتیمی را که سرپرست ندارد دفع کند و تحقیرش می‌کند.

وَلَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ.

حض یعنی تشویق کردن به چیزی است که افراد آنرا دون شأن خودشان می‌دانند. می‌گویند: من چرا این کار را بکنم؟ از من توقع داری این کار را بکنم؟

انگار خدا توقع دارد که ما این کار را بکنیم چون دارد رفتار تکذیب کننده دین را بیان می‌کند.

مسکین کسی است که از حرکت افتاده و ساکن شده، توان اولیه برای رفع نیازهای اولیه اش را ندارد. نیاز به طعام دارد تا بخورد، جون بگیرد و بتواند بلند شود.

باید برای ما مهم باشد که کسانی هستند که طعام ندارند و نیاز آن‌ها را برطرف کنیم یا دیگران را تشویق کنیم. مثلاً وقتی بچه‌ام گرسنه است و چیزی نداریم، چگونه دست و پا می‌زنم که نیازش را رفع کنم؟ برای دیگران هم باید همین حس را داشته باشم.

کسی که اینگونه عمل نمی‌کند را مکذب دین معرفی می‌کند.

بخش اول: در رابطه با دیگران، باید توجه فرد نسبت به نیاز به محرومان فعال باشد.

فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ

فهم قرآن

یک اقامه نماز داریم و یک نماز خواندن. اقامه نماز، یعنی نماز به پا داشتن. مصلین، این

آدمها که در سوره می‌گوید نماز خوان هستند. اقامه نماز سطح بالاتری دارد، برای کسی است که برنامه دین مدارانه دارد. تلاش می‌کند دین در جامعه جاری شود. اینجا نمازخوان مطرح شده است.

وای به حال نمازخوان‌ها...

الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ

این نمازخوان‌ها را معرفی می‌کند. کسانی که نسبت به نماز سهو دارند.

ساهون بر وزن فاعل است. سهو، یک کاری است که برای هدفی انجام شده ولی جواری حواسش پرت می‌شود که به آن هدف نمی‌رسد.

نماز می‌خواند به خدا وصل شود ولی جواری رفتار می‌کند که به این هدف نمی‌رسد. نماز باید ما را به خدا متصل کند.

فَ در قَوْلٍ لِلْمُصَلِّينَ یعنی این آیه به آیه قبل مربوط است.

مکذّب دین را معرفی می‌کند و بعد می‌گوید پس وای به نمازخوان‌هایی که نمازشان آن‌ها را به خدا وصل نمی‌کند. کسی که به مسکین توجه ندارد، در نماز هم سهو دارد.

الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ

این نمازخوان‌های سهو دار، همان کسانی هستند که ریا می‌کنند و منع ماعون می‌کنند.

ریا از ریشه رویت است به معنای خود را به دیگران نشان دادن است.

فهم قرآن

معیار ریا داشتن این است که وقتی کاری انجام می‌دهیم نظر دیگران از نظر خدا برایمان

مهمتر باشد. آن کار ریا است. برایمان مهم باشد دیگران ما را چگونه می‌بینند تا خدا؟ باید در کاری که انجام می‌دهیم بیشتر نظر و رویت خدا برایمان مهم باشد. البته اصلش این است که فقط نظر خدا برایمان مهم باشد و اصلاً نخواهیم که کسی ببیند و خالص خالص شویم.

ریاکار، نظر دیگران برایش مهم است.

ماعون از ریشه معن است. ماء معین یعنی آب گوارا و جاری. قرض، هدیه، صدقه در واقع یک دادنی است که دادنش برای دهنده راحت و برای گیرنده مهم و لازم است.

مثلاً کسی یک لقمه غذا لازم دارد تا از گرسنگی نجات بیابد و من هم کلی غذا دارم که نمی‌دانم آنرا چه کار بکنم، می‌خواهم بریزمش دور، برای من کاری ندارد آنرا به کسی بدهم. مثلاً کسی از من قابلمه می‌خواهد. یک وسیله ای که مصرف شدنی هم نیست و از بین نمی‌رود ولی کار فرد را راه می‌اندازد.

برخی گفتند ماعون، نیازهای اولیه زندگی است. المیزان گفته: چیزهایی که دست به دست می‌چرخد و به نیازهای اولیه زندگی هم اشاره کرده است.

الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ

نه تنها ماعون نمی‌دهد، بلکه دیگران را هم منع می‌کند. مثلاً یک همسایه می‌آید کبریت می‌خواهد، می‌گوید بچه کوچک دارم نمی‌توانم بروم کبریت بخرم، این فرد به صاحب خانه می‌گوید ولش کن، همسایه پرور می‌شود و هر روز می‌خواهد بیاید چیزی بگیرد.

نظر دیگران برایش مهم است ولی نیاز دیگران برایش مهم نیست.

دیدنی کسی که دین را تکذیب می‌کند؟ آیات بعدی برای مکذب دین تصویر می‌دهد.

کسی است که فردی را که حامی و سرپرست نداشته باشد را دفع می‌کند و نیاز دیگران

هم برایش مهم نیست. ممکن است نماز هم بخواند ولی حواسش به نمازش نیست. مگر می‌شود کسی گرسنگی

گرسنه کنارش را ببیند ولی خدا را در نماز ببیند؟

دیگران را می‌بیند از این نظر که او را چگونه می‌بیند ولی نیاز دیگران اصلاً برایش مهم نیست.

خدا انشالله ما را از مصدقین دین قرار دهد.

سوالات از سوره

سوال: یتیم همه جای قرآن همین معنی را می‌دهد؟

بله. چیزی که عرض کردم معنای واژه‌ای یتیم بود. یتیم مادی و معنوی داریم. مراتب مختلف دارد. در قرآن کلمه

یتیم این معانی که گفتیم را دارد ولی در جاهای مختلف قرآن اگر نشانه‌های دیگری در کنار کلمه یتیم باشد،

می‌توانیم از آن‌ها بفهمیم راجع به یتیم خاصی است یا نه.

کسی که پدر ندارد، ممکن است یک عموی خوب داشته باشد یا مادرش ازدواج کرده باشد و پدر جدیدی پیدا

کرده باشد، به نظر نمی‌آید که اینها هم یتیم باشند. یتیم کسی است که پدر و سرپرست ندارد. ممکن است کسی

در یک موقعیتی یتیم باشد مثلاً اینجا حامی و سرپرست نداشته باشد. یتیم معنوی هم داریم یعنی حامی معنوی

ندارد. به لحاظ باور و اعتقاد از اصل و ریشه خود جدا شده است.

هر مرتبه‌ای را که در نظر می‌گیریم بقیه آیات را در همان مرتبه در نظر می‌گیریم. در فقه ممکن است معنی خاص

بی پدر بودن را داشته باشد، ولی در قرآن کلی تر است.

سوال: آیا خدمت به خلق مقدمه حضور قلب در نماز است؟

بله. منتها اینجا شاید نخواستہ باشد بگوید اول این بعد این. در سوره رویت مهم است.

می خواهی ببینی؟ سهو در نماز کسی را که نمی توانی ببینی ولی می توانی توی سر زدن کسی را ببینی، می توانی ببینی کسی برای رفع نیاز دیگری کاری نمی کند.

دو طرفه است. کسی که ارتباط نزدیک با خدا داشته باشد، رفع نیاز دیگری هم برایش مهم است و بالعکس.

سوال: آن ها که به دیگران کمک می کنند ولی نماز نمی خوانند چطور می شود؟

دو حالت دارد:

۱- آن آدمها به هر دلیلی نماز نمی خوانند چون دین درست بهشان معرفی نشده ولی ارتباط قلبی با خدا دارند. نظر خدا برایشان اهمیت دارد. و اگر یک روز حقیقت برای آن ها معلوم شود، می پذیرند و از آیات اعراض نخواهند داشت. نماز نخواند از روی عنادشان نیست.

۲- کمکشان به دیگران بی خود است. رفع نیاز دیگران برایشان مهم نیست. اگر احساس کنند منافعشان تهدید می شود، به رفع نیاز دیگران نمی پردازند. حالا یا به خاطر دل خودش است، یا شیاد است یا ... به هر حال یک علت دیگری دارد.

غیر از این دو حالت نیست. غیر ممکن است کسی با خدا رابطه نداشته باشد و برایش خدا مهم نباشد، ولی برایش نیاز دیگران مهم باشد. غیر ممکن است. هم عقلا و هم به تصریح قرآن همین است. اگر کسی بگوید کسی خودش را از ساختمان انداخت پایین و همان وسط ماند، پرت نشد این را می شود باور کرد ولی این غیر ممکن است که کسی خدا برایش ارزشی نداشته باشد ولی نیاز دیگران برایش مهم باشد.

بچه که بودم عده ای می گفتند اگر به ایرانی ها بگویند جنسی کم شده، مردم می ریزند در مغازه و قحطی می شود ولی در اروپا اگر بگویند چیزی کم شده مردم آنقدر نمی خرنند تا کمبودش برطرف شود. در بچگی آنقدر اینها را در گوش ما گفتند که ما هم باور کردیم ولی مردم ایران در جنگ کلی با همه کمبودها در کنار هم زندگی کردند در

فهم قرآن

قضیه کرونا دیدیم همچین خبری هم در اروپا نیست. آنها تا خیالشان راحت هست که

همه چی هست، برخوردشان خیلی شیک و باکلاس است. فکر نمی کنند ممکن است قحطی بیاید. الان که یکم احساس ترس کردند، دید سر دستمال کاغذی هم به جون هم می افتند. برای غذا به فروشگاهها هجوم بردند و خالی شان کردند. خیلی از اینها حرف بی خود است.

چنین چیزی ممکن نیست برای کسی خدا مهم نباشد ولی نیاز دیگران برایش مهم باشد.

سوال: اول باید توجه به یتیم بکنیم یا سهو در نماز را اصلاح کنیم؟

فکر می کنم اول باید توجه به یتیم بوجد بیاید چون توجه در نماز سخت است. هر قدر هم سعی می کنند توجهشان را در نماز درست کنند، می بینند نمی شود. تا خودبینی و خودخواهی رفع نشود، سهو در نماز برطرف نمی شود. خودخواهی و خودبینی هم با توجه به یتیم و مسکین برطرف می شود. آدم در نماز به چیزهای مختلف فکر می کند، نمی تواند به خدا فکر کند به صورت فطری گرسنه ای را می بیند که دارد می بیند یا بچه ای دارد گریه می کند، این را می بیند و می فهمد. فهم این راحت تر است تا فهم خدا. آدم باید تمرین کند نسبت به چیزهایی که برایش عینی تر و مشهود تر است، خودخواهی اش را کم بکند تا بتواند خودش را کنار بزند و خدا را ببیند. به نظر می آید از نظر عملیاتی اول آدم توجه به نیاز دیگران را در خود فعال کند البته به این معنا نیست که بگوییم نماز نمی خوانیم، اول برویم سراغ نیاز دیگران. اینها با هم دیگر است اول باید یک شکلی از نماز را داشته باشد حتی اگر سهو دارد، بعد همزمان با آن توجهش به نیاز دیگران را بیشتر کند تا نمازهایش هم عمیق تر پیدا کند.

سوال: چه ارتباطی وجود دارد بین سهو در نماز و توجه به یتیم و مسکین؟

این را در صحبت هایم گفتم. سوره با ارایت به معنی دیدی شروع می شود و بعد هم بحث ریا مطرح می شود.

فهم قرآن

در سوره خدا دارد می بیند، پیامبر دارد می بیند، آدمهایی هستند که دارند هم همدیگر

را می بینند، اینکه چگونه همدیگر را می بیند نیاز هم را می بینند یا نمی بینند؟ اینکه خدا یا پیامبر دارند آن‌ها را می بینند را می بینند یا نمی بینند. اینکه آن‌ها چگونه توسط دیگران دیده می شوند و دیگران چجوری آن‌ها را می بینند، به این توجه می کنند. دیدن خدا ما را، دیدن دیگران ما را، دیدن ما دیگران را، دیدن ما خدا را و... خیلی مراتب دیدن در سوره زیاد است.

به نظر می رسد ارتباط سهو در نماز و بی توجه به یتیم و مسکین، در تنظیم رویت است. چی دیدن و چگونه دیدن. یعنی من چی را می بینم و می دانم که کی من را می بیند و چطوری دیدن کی برایم مهم است. اینکه من فقط خودم را می بینم یا دیگران را هم می بینم. تا وقتی فقط خودم را ببینم، دیگران را هم نمی بینم و به طریق اولی خدا را هم نمی بینم.

سوال: طعام صرفا به خوردنی‌های مادی گفته می شود یا معنوی هم هست؟

یتیم که گفتیم مادی و معنوی دارد، طعام هم همین است.

طعام چیزی است که به آن میل به خوردن داریم. طعم دارد، به خوردنش رغبت داریم و غذای مناسبی برای ما است. مثلا غذایی که ما می خوریم برای بچه دو سه ماهه که غذا نمی تواند بخورد، طعام نیست. باید طعام مناسب فرد هم باشد. این طعام می تواند هم مادی باشد هم معنوی. طعام معنوی، خوراکی معنوی مناسبی برای فرد است که بتواند با لذت دریافت کند و نیازهای معنوی اش را برطرف کند.

سوال: آیا باید به همه یتیم‌ها کمک کرد؟

نگفته به یتیم کمک کن. گفته دع اش نکن، تو سرش نزن. تصور شما از یتیم، یک طفل معصوم که دارد یک قطره اشک از چشمانش سرازیر می شود نباشد. سرپرست معنای مادی و معنوی دارد. ما برای رشد نیاز به راهنما داریم. در واقع یتیم تربیت نشده و نوعا بی تربیت است. حرف زشت هم ممکن است بزند. تصویر یتیم اینطوری است که

از یک جهت تربیت و ادب ندارد برای همین کرامت هم ندارد و بی ارزش شناخته می‌شود. آدمها به خودشان این اجازه را می‌دهند با او بد رفتار کنند.

اگر دست بچه در دست باباش باشد و بی ادبی بکند، ما به احترام بابایش چیزی به او نمی‌گوییم ولی اگر چیزی نباشد که از آن بترسم، وقتی برخورد بدی با من می‌کند، چرا توی گوشش نزنم یا بد و بیراه به او نگویم. اگر کسی خودش کرامتی در نفسش ندید و می‌شد تحقیرش کرد، ما نباید تحقیرش بکنیم. اگر می‌شد در سر کسی زد، وقتی از دست او عصبی شدیم، در سرش نزنیم.

دع یتیم چیز خطرناکی است. اگر موقعیتش پیش بیاید ما هم ممکن است دچارش شویم. در نگاه اول فکر می‌کنیم دع نکردن یتیم خیلی عادی است و ما دچار آن نیستیم. در واقع یتیمی که برخورد بدی دارد را نباید تحقیر کنیم. حض به طعام مسکین برایمان ملموس تر است. به طور مشخص می‌فهمیم که بی توجهی به طعام مسکین کار بدی هست و ما باید دائم به فکر طعام دیگران باشیم. اگر هم خودمان نتوانستیم دیگران را به این کار تشویق می‌کنیم. باید طعام مسکین برایمان مساله باشد، آرزوی کمکش را داشته باشیم، از کسی که می‌تواند کمک کند، تقاضای کمک کنم و...

سوال: وقتی در نماز نمی‌توانیم توجه کنیم یعنی حق یتیم بر عهده ما است؟

آدم فقط نبرد روی حق یتیم که پدرش مرده و من مالش را خوردم. وقتی در نماز نمی‌توانیم توجه کنیم یعنی نیاز دیگران برایمان مهم نیست. احتمالاً این را می‌شود گفت. -من خودم از این حرفها که می‌زنم می‌ترسم- بی توجهی در نماز این معنا را دارد که خودبین هستم. خودم بیشتر از دیگران برایم مهم است. ما و اطرافیان ما حالشان خوب باشد، بقیه مهم نیستند. خدا را شکر که ما کرونا نگرفتیم، دیگران گرفتند مهم نیست. تا بقیه برای آدم مهم نشود، آدم متوجه خدا نمی‌تواند بشود.

سوال: همیشه در مور سهو بیشتر توضیح بدید، گاهی در نماز حواس پرت میشود و انچنانکه

باید حضور قلب نداریم این هم سهو هست؟

در المیزان می‌گویند سهو مراتب دارد. از اینکه آدم کلاً دیگر نماز نخواند شامل می‌شود تا... همینها که گفتید که آدم در نماز حواس پرت شود. مراتب دارد. هر مرتبه از سهو مربوط به یک مرتبه از تکذیب دین، دعای یتیم، حض بر طعام مسکین است. انسان توجه تام و تمام در نماز نداشته باشد، دچار سهو است ولی اینها درجات پایین سهو است. یکی همیشه حواسش به خدا هست، یکجا حواسش پرت می‌شود، این سهوش کم است. احتمالاً به این نمی‌شود گفت تکذیب کننده دین. آیه ای هست که دعا می‌کند: هیچ غلی از برادران مومن در دل ما باقی نگذار یعنی آنقدر باید آدمها رشد کنند که یک ذره هم نسبت به دیگران شیشه خرده نداشته باشند. مثلاً ممکن است کسی مهربان باشد ولی گاهی از کسی در دلش لجش بگیرد یا بگوید به من چه. آدم کم کم باید رشد کند. از یک آدم کاملاً خودخواه باید رشد کنیم تا به جایی برسد که اصلاً خودش را نبیند و فقط خدا را ببیند و به واسطه خدا، دیگران را ببیند. بشود مثل پیامبر(ص) که دغدغه‌هایش جنبه فردی ندارد کلاً دیگران است. حاضر است همه چیزش را برای دیگران بدهد تا در عذاب نیفتند. به همین ترتیب هم سهو در نماز کم شود. انسان باید بداند در حال رشد است، نگران نشود، احساس آدم بد بودن به او دست ندهد. این احساس آدم بد بودن خودش انسان را به گناه می‌اندازد. ما خوبیم، خدا ما را دوست دارد، امام زمان هم ما را دوست دارد. خدا رب ماست و دارد ما را به طرف کمال سوق می‌دهد و اشکالاتمان برطرف می‌شود. به مرور که رشد می‌کنیم، دعای یتیم در ما، سهو در نماز و تکذیب دین و ریا در ما کمتر می‌شود و حض بر طعام مسکین، دادن ماعون به دیگران در ما بیشتر می‌شود. اینها به تدریج اتفاق می‌افتد

سوال: نمی‌شود آنقدر حواسمان به دیگران باشد که باز سر نماز هم حواسمان به دیگران باشد؟

نه اینطور نیست. آدم به طور طبیعی خودخواه است. این اشتباهی هست که ممکن

است برای هر کسی پیش بیاید مثلا گاهی کسی به دیگری می گوید دوستت دارم. می پرسد برای چی من را دوست داری؟ می گوید برای خودت دوستت دارم، این حرف الکی است. همچنین چیزی وجود ندارد. نمی شود کسی را برای خودش دوست داشت. چون علامه طباطبایی می گویند: رابطه ما با همه دیگران، رابطه قراردادی است، اعتباری است، فقط رابطه ما با خدا یک رابطه حقیقی است. برای همین وقتی به دیگران توجه داریم یکی از این دو حالت است: یا به خاطر خودمان او را دوست داریم یا به خاطر خدا. حالا گاهی هم بین این دو تاست.

خودخواهی های انسان اجازه نمی دهد که به دیگران توجه کند. همین است ارتباط توجه در نماز و توجه به دیگران. آدم به واسطه توجه به خدا، به دیگران توجه می کند یا به خاطر اینکه به دیگران توجه می کند کم کم رابطه اش با خدا تنظیم شود. اگر کسی توجه حقیقی و واقعی به دیگران داشته باشد، حتما به خاطر توجه به خداست. مصداق جالب این حرف حضرت امام علی ع است که در این ماه رمضان جانمان به فدای مولا... در قرآن آیه دارد که زکات می دهد در حالیکه رکوع کرده بودند. در رکوع نماز، مسکین را می بیند و قبل از بلند شدن از رکوع انگشترش را به او می دهد. این فرد همان است که تیر را سر نماز از پایشان در آوردند یعنی در نماز آنقدر متوجه خداست که سلولهای بدنش هم متوجه خداست. این آقا در نمازش وقتی فقیری وارد مسجد می شود و هیچ کس به او توجه نمی کند، آن فقیر را می بیند. انگار از زاویه خدا دارد نگاه می کند. می شود فهمید که چقدر ارتباط با خدا و توجه به دیگران به هم نزدیک است.

چقدر آدم دلش می خواهد که اینگونه باشد و این خیلی خوب است که این را دلش بخواهد. مثل بچه های کوچکی که دوست دارند شبیه بابایشان باشند، ادای بابایشان را در می آورند. انشالله ما هم آنقدر ادای بابایمان را در بیاریم تا شبیه بابایمان شویم. ادا در آوردن آرزوی شبیه شدن به ایشان را برای ما بیشتر می کند و انشالله مارا به ایشان نزدیکتر کند.

سوال: درجات و مراتب سهو در مراتب دع یتیم و ماعون هم اثر داره؟

بله به نظرم درجات سهو در درجات دع یتیم و منع ماعون اثر دارد. از سوره اینطور برداشت می‌شود که هر چه سهو در نماز بیشتر باشد انگار که احتمال دع یتیم و منع ماعونش هم بیشتر است. اینکه چقدر انسان در نماز حواسش جمع است، ملاک خوبی است که آدم ببیند کجاها ممکن است دع یتیم و منع ماعون بکند.

سوال: اگر دوست داشته باشیم دیگران کار ما را برای تبلیغ دین ببینند و از تعریف آن‌ها خوشحال شویم ریا محسوب می‌شود؟

بالاخره یک مرتبه ای از ریاست ولی آدم نباید حساس شود. ما یک کارهایی برای تبلیغ دین می‌کنیم، دوست داریم دیگران ما را تشویق بکنند. بالاخره خلوصش کم است ولی نباید کار را ول کنیم. آنقدر کار را ادامه می‌دهیم تا اهمیت تشویق دیگران برایمان کم‌رنگ تر شوند. این بخاطر طفولیت است، انشالله بزرگ می‌شویم، عاقل می‌شویم درست می‌شویم. فقط باید افقی داشته باشیم، بدانیم در آن افق، بجز نظر خدا، نظر کس دیگری برایمان مهم نخواهد بود.

سوال: می‌شود ماعون را امام در نظر گرفت؟

نمی‌دانم. ماعون یک چیز گواراست که دادنش راحت است و گرفتنش ضروری است. تا حالا نشنیدم امام باشد. نمی‌دانم می‌شود در نظر گرفت یا نه.

اهداف تربیتی سوره

سوره دین دار شدن به واسط نماز و رفع نیاز محرومین است.

برای بچه‌ها به هر سه می‌توان اشاره کرد. برخی از ابعاد سوره‌ها را می‌شود به بچه‌ها گفت و بقیه ابعاد پشت آن‌ها قرار می‌گیرد.

باید سطح متناسب با سن بچه‌ها را در گفتن این سه مولفه در نظر بگیریم.

پایه اول

درک منافات نداشتن عمل به قانون با لذت بردن

(قانون‌هایی درباره توجه به افراد کوچکتر و ضعیف/ در بستر دعوت به نماز)

راجع به قانون می‌گوییم. داشتن قانون و مقررات خوب است و مخل خوش گذشتن و لذت بردن نیست. خوش بگذرد ترجمه کودکانه سعادت‌مند شدن است. در این سن بچه‌ها چون دوست دارند بازی کنند، در بازی‌ها قانون می‌گذاریم. فعلا اسم دین نمی‌آوریم، می‌گوییم ضوابط و قانون.

دو چیز باید لحاظ شود:

۱- لابه لای قوانین، القا کنیم که خیلی از قوانین مربوط به رعایت حقوق دیگران یا رعایت افراد ضعیف تر است. مثلا ضعیف ترها را در تیم خود راه نمی‌دهند. باید یاد بدهیم که یکی از قانون‌ها این است که همه باید بازی کنند. یک قانون این است که آن‌ها که بازیشان خوب نیست هم باید در نظر بگیریم. قانون توجه به کوچکترها بگذاریم.

۲- اگر بتوانیم در بستر دعوت به نماز این کار را انجام دهیم خیلی بهتر است مثلا این قوانین را در نمازخانه بگوییم و بازی کنیم یا وقتی داریم در مورد نماز صحبت می‌کنیم، انجام دهیم. تا به این ترتیب ارتباطش با نماز هم به طور ضمنی بیان کرده باشیم البته اگر به نظرتون این قسمت پیچیده می‌آید و شرایطش فراهم نیست، لازم نیست انجام شود.

به بچه‌های کلاس اول می‌گوییم سوره ماعون به ما یاد می‌دهد که همیشه برای هرکاری

قوانینی را باید رعایت کنیم تا هم به خودمان هم به دیگران بیشتر خوش بگذرد. چه ملاحظاتی را در نظر بگیریم؟

در این قوانین که داریم آموزش می‌دهیم رعایت افراد ضعیف را بگنجانیم و بفهمند این قانون است.

اگر توانستیم این را در بستر نماز و دعوت به نماز مطرح کنیم. اگر هم موقعیتش نبود این را در نظر نگیریم.

"توجه دادن به ضرورت قانون و خوب بودن قانون مهمترین چیز است" که باید یاد بگیرند و در اولویت

بعدی، بفهمند که رعایت افراد ضعیف خودش قانون است.

برای ورود به زندگی بچه‌ها باید به آن‌ها یاد دهیم در زندگیشان:

۱- قوانین را رعایت بکند. قانون در خانه، در خیابان و... با قانون سوره ماعون را وارد زندگی کنیم.

۲- هوای کوچکترها و ضعیف‌ترها را باید داشت.

پایه دوم

توجه به انواع قوانین و محدودیت‌های فردی و اجتماعی در زندگی

(با محور درک محدودیت‌ها و کمبودهای دیگران/ در بستر دعوت به نماز)

اگر اولین بار است سوره را می‌خوانند، باید مطالب پایه اول را هم به آن‌ها منتقل کنیم.

در این پایه باید با تنوع قوانین آشنا شوند. قوانین طبیعی داریم مثلاً غذا بخورند قوی می‌شوند، البته روی این

قوانین تمرکز نمی‌کنیم. قوانین فردی داریم قوانین اجتماعی، قوانین تشریحی داریم.

مثلاً قبل از خواب باید مسواک زد، به بزرگترها باید سلام کرد، از معلم باید حرف شنوی داشت و...

در لابه لای اینها القا کنیم از مهمترین قوانین، توجه به نیاز محرومین و نیازمندان است.

کسانی هستند که مشکلاتی دارند و قانون است که باید به نیاز نیازمندان توجه کنیم و همه اینها اگر در بستر نماز انجام شود، خیلی بهتر است ولی ضروری نیست.

باید بگوییم: سوره ماعون به ما یاد می‌دهد که در جاهای و موقعیتهای مختلف قوانینی وجود دارد که حتما باید آنها را رعایت کنیم تا به ما خوش بگذرد و به تنوع قوانین اشاره کنیم.

بخواهیم در موقعیتهای مختلفی که قرار می‌گیرند، قوانین آن موقعیت را در بیاورند، قانون خانه مادر بزرگ، صف نانوایی، ایستگاه اتوبوس و... و در همان موقعیت آنها را به رفع نیاز نیازمندان توجه دهیم. مثلا اگر در اتوبوس نشستیم و پیرمردی آنجا بود، جایمان را به او بدهیم. در خانه نیاز خواهر و برادر کوچکتر را باید رفع کنیم.

پایه سوم

اقدام عملی برای کمک به دیگران و رفع نیاز آنها

(به عنوان یک قانون / در بستر دعوت به نماز)

اگر اولین بار سوره را مطرح می‌کنیم باید مطالب سالهای قبل باید به آنها منتقل شود.

به طور خاص پایه سوم، سن عمل است. از آنها می‌خواهیم به صورت عملی در یک کار مشخص جزیی، یک محرومیت از کسی را شناسایی و برطرف کنند. مثلا پای دوستش شکسته، در کلاس در انجام کارهایش به او کمک کند. کسی در خانه خواهر کوچکتر دارد که نیاز به بازی دارد، اسباب بازی به او بدهد یا ... این را به صورت قانون مطرح می‌کنیم.

با سه مولفه باید آشنا شوند:

۲- اهمیت نیاز نیازمندان و رفع نیاز نیازمندان

۳- توجه به نماز

وقتی می‌خواهیم در مورد رفع نیاز محرومین صحبت کنیم، بهتر است در نمازخانه باشد، یا موقع صحبت از نماز باشد و...

سوره ماعون به ما یاد می‌دهد که باید به نیاز دیگران توجه کنیم و در حد خودمان نیاز آن‌ها را برطرف کنیم. ملاحظات این پایه:

* باید عمل کنند.

* بدانند قانون است.

* در بستر نماز و همراه با نماز باشد بهتر است.

در این پایه اقدام به رفع محرومیت و گزارش آن مهمترین کار است.

ریا برای دبستان موضوعیت ندارد. نیاز به مطرح کردن آن نیست.

پایه چهارم

رعایت اوقات نماز و لذت بردن از آن همراه با تعیین زمان برای رفع محرومیت دیگران (به عنوان

دین‌داری)

بچه‌های پایه چهارم را متوجه نماز و اوقات نماز می‌کنیم. اوقات نماز را در نظر بگیرند و به آن اهمیت دهند.

برنامه داشته باشند تا از نماز اول وقت خواندن لذت ببرند. با راهکارهای لذت بخش کردن نماز اول وقت آشنا

شوند. همانطور که از اول وقت نماز صحبت می‌کنیم، باید ساعاتی را به رفع نیاز محرومان بپردازیم. یک زمانی در

فهم قرآن

ماه داشته باشند که اقدام به رفع نیازمندیهای دیگران بکنند و این رفع نیاز را ببینند.

ممکن است نیازمند جسمی باشد یا... هر جا که می شود این کار را بکنند.

نماز مربوط به دین است و خوب است بدانند رفع نیاز دیگران هم مربوط به دین است.

سوره ماعون به ما یاد می دهد که نماز خیلی اهمیّت دارد و ما باید به آن توجه کنیم و از آن لذت ببریم اما رفع

نیاز محرومان را هم فراموش نکنیم.

ملاحظاتی که باید در نظر گرفت:

* به آنها کمک کرد که از نماز لذت ببرند.

* توجه به اوقات نماز داشته باشند.

* موقعیتی فراهم کرد که نیاز محرومان را برطرف کنند و به آنها کمک کرد.

* زمان برای آن در نظر گرفت.

خیلی برایشان جالب است در یک زمان مشخص برنامه ای داشته باشند که بروند جایی و کمکی برای برطرف

کردن نیاز یک نیازمندی انجام دهند.

پایه پنجم

سعی در ارتقاء نماز و رفع نیاز محرومان با مشارکت دوستان و تشویق دیگران به این امور (به عنوان

دین داری)

سطح نماز و کمک به محرومان باید ارتقا یابد و این دو را باهم و در ارتباط با هم ببینند. دو روی یک سکه اند.

باید بتوانند با مشارکت دوستانشان سطح نمازشان را ارتقا دهند. ممکن است بیشتر شکل و ظاهرش را ارتقا دهند،

اما همین هم خیلی خوب است. مثلاً آنها را زیارت ببریم تا فرصتی ایجاد شود که نمازهایشان را با کیفیت تر بکنند. باید یاد بگیرند وقتی بحث نماز هست، بحث نیاز دیگران هم مطرح است. ما از سوره ماعون یاد می‌گیریم که در دین خدا نماز و رفع نیاز نیازمندان خیلی مهم است و باید با هم اتفاق بیفتد تا کیفیتشان بالا رود.

یکی از مهمترین نکات در این پایه با هم دیدن نماز و کمک به نیازمندان است.

ملاحظات آموزشی:

* بسترهایی برای کمک به نیازمندان فراهم کنیم.

* ارتقای نماز پیدا کنند.

پایه ششم

حرکت‌های گروهی برای ارتقاء کیفیت نماز و استفاده از سنگر نماز برای رفع محرومیت‌ها و کمبودهای

اجتماع

اگر اولین بار است که سوره را برای آنها بیان می‌کنیم، باید مطالب پایه‌های قبل به آنها انتقال داده شود. تا هر سطح از این سیر که گفته شد، می‌کشیدند می‌توانیم بگوییم.

کارهای جمعی در این پایه نقش دارد. آنها را تشویق می‌کنیم که حرکت‌های جمعی برای اقامه نماز داشته باشند. مثلاً با مساجد مشارکت بکنند. از بستری که برای اقامه نماز ایجاد می‌شود، برای رفع نیاز محرومین استفاده کنند.

سوره ماعون به ما یاد می‌دهد که اقامه نماز خیلی مهم است و موقعیت خوبی برای رفع نیاز محرومین است.

ملاحظات آموزشی که باید برای این آموزش در نظر گرفت:

* انجام کار گروهی

* بستری فراهم شود که نماز راه بیندازند.

* موقعیت‌هایی فراهم کنیم و به آن‌ها کمک کنیم تا بتوانند به محرومین کمک کنند.

مهمترین مساله: استفاده از موقعیت اقامه نماز برای برطرف کردن نیاز محرومان است.

سوال: در موقعیت‌های مختلف که قانون را متوجه شدند و سعی کردند اجرا کنند چه ربطی به سوره دارد؟

اساسا ما به بچه‌ها گفته ایم که این را از سوره ماعون یاد گرفته ایم . سوره ماعون به ما می‌گوید: کسی که دین را تکذیب می‌کند قانونهای توجه به نیاز دیگران و توجه به نماز و... را نادیده گرفته است. ما به بچه‌ها می‌گوییم که اگر قانون را رعایت کنیم بهمان خوش می‌گذرد و به زبان ما سعادت‌مند می‌شویم.

سوال: قانون در صورت اجرا نشدن معمولا عواقبی داره. اما احساس مسئولیت نسبت به افراد دیگه ، آیا قانونه؟

تنوعی از قانون داریم مثل راهنمایی رانندگی. اگر رعایت نکنی جریمه می‌شوی.

برخی قوانین دینی است. این ما هستیم که به بچه‌ها می‌گوییم چی قانون است. باید بگوییم که توجه به نیاز دیگران قانون است و رعایت نکردنش هم عواقب دنیایی و آخرتی دارد. از طرف انجام ندادن و عقوبت صحبت نمی‌کنیم، از طرف انجام و خوش گذشتنش می‌گوییم.

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم